

عِ الْأَصْوَاتِ يَا عَالِمِ الْخَفِيَّاتِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ (۳)

د آواز دانی باز د دفع کن

يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ يَا خَيْرَ الرَّاظِقِينَ يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ يَا

بتر حکم بتر روزی ده بتر وارث

«الهی از تو می خواهم
زمن آتش براندازی»

- ای برترین آمرزنده،
- ای برترین گشایشگر،
- ای برترین یاریگر،
- ای برترین فرمانروا،
- ای برترین روزی دهنده،
- ای برترین وارث،
- ای برترین ستاینده،
- ای برترین یادآور،
- ای برترین فرود آورنده،
- ای برترین نیکی کننده



مراحل روزه داری
فرآیند خدا نما بودن
نور مجرد

سِرِّ رُزْوِی كِفَاتَر

روز چهارم: «مراحل روزه داری»

«یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم.» در آیه شریفه‌ای که قرائت کردم، مسأله روزه و این که این فریضه الهی بر امت‌های قبل از امت اسلام هم قرار داده شده بود، مطرح شده است. از جمله فرایض و واجباتی که بشر در طول ادوار گوناگون به آن نیازمند است، یکی همین روزه گرفتن است؛ همچنان که نماز خواندن و ذکر الهی چنین است. در همه ادوار، در همه احوال، در همه تمدن‌ها و در همه دوره‌های حیات بشری، در هر حالی که بشر باشد، به خاطر خاصیت بشری خود، به بعضی از این اعمال و فرایض نیازمند است که یکی از آن‌ها هم همین روزه است...

روزه که از آن به عنوان تکلیف الهی یاد می‌کنیم، در حقیقت يك تشریف الهی است؛ يك نعمت خداست؛ يك فرصت بسیار ذی‌قیمت برای کسانی است که موفق می‌شوند روزه بگیرند؛ البته سختی‌هایی هم دارد. همه کارهای مبارک و مفید، از سختی خالی نیست. بشر بدون تحمل سختی‌ها به جایی نمی‌رسد. این مقدار سختی که در تحمل روزه‌گیری وجود دارد، در مقابل آنچه که از روزه عاید انسان می‌شود، چیز کم و سرمایه اندکی است که انسان مصرف می‌کند و سود بسیاری را می‌برد. سه مرحله برای روزه ذکر کرده‌اند؛ هر سه مرحله هم برای کسانی که اهل آن هستند، مفید است.

گرسنگی و تشنگی

يك مرحله، همین مرحله عمومی روزه است؛ یعنی پرهیز از خوردن و نوشیدن و سایر محرّمات. اگر تنها محتوای روزه ماهمین امساك باشد، این منافع زیادی دارد. هم ما را می‌آماید و هم به ما می‌آموزد؛ هم درس هست، هم آزمایش برای زندگی است. تمرین و ورزش است؛ يك ورزش بسیار با اهمیت تراز ورزش جسمانی در این کار وجود دارد. روایاتی از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است که به همین مرحله از روزه توجه دارد. يك روایت از امام صادق علیه‌الصلاة والسلام است که می‌فرماید: «لیستوی به الغنی و الفقیر»؛ خدای متعال روزه را واجب کرده است تا در این ساعات و روزها، فقیر و غنی بایکدی برابر شوند. انسانی که تهیدست و فقیر است، نمی‌تواند در طول روز هر چه هوس کرد، بخرد و بخورد و بیاشامد؛ اما آدم‌های غنی، در طول روز، هر چه که هوس می‌کنند و هر چه که می‌خواهند، برایشان فراهم است. غنی، حال فقیر و گرسنگی فقیر و تهیدستی او را از به دست آوردن چیزهایی که مورد اشتهاى اوست، درك نمی‌کند؛ اما در روزی که روزه می‌گیرد، همه یکسانند و با اختیار خودشان، از مشتهیات نفسانی محرومند.

يك روایت دیگر از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است که به نکته دیگری اشاره دارد. می‌فرماید: «لکی يعرفوا الم الجوع و العطش و یستدلوا علی فقر الآخره» در این روایت، به تهیدستی و گرسنگی و تشنگی روز قیامت اشاره می‌شود. در روز قیامت، یکی از ابتلائات انسان، تشنگی و گرسنگی است که در آن حالت، انسان در مقابل مؤاخذه و سؤال و جواب الهی قرار می‌گیرد. انسان باید در گرسنگی و تشنگی روز ماه رمضان، به آن حالت روز قیامت توجه کند و به آن لحظه بسیار سخت و دشوار متنبّه شود.

باز روایت دیگری از امام رضا علیه‌السلام است که به بُعد دیگری از ابعاد روزه در همین مرحله گرسنگی و تشنگی کشیدن توجه می‌کند. آن، این است که می‌فرماید: «صابراً علی ما اصابه من الجوع و العطش». قدرت صبر به انسان داده می‌شود که بتواند گرسنگی و تشنگی را تحمل کند. انسان‌های نازپرورده - کسانی که معنای گرسنگی و تشنگی را نچشیده‌اند و نفهمیده‌اند - قدرت صبر و تحمل هم ندارند؛ در بسیاری از میدان‌ها، خیلی زود از پا درمی‌آیند و امتحان‌های گوناگون زندگی، آن‌ها را درهم می‌فشد و له می‌کند. انسانی که گرسنگی و تشنگی را چشیده است، معنای این‌ها را می‌داند و در مقابل دشواری‌هایی که از این راه ممکن است پیش بیاید، قدرت تحمل دارد. ماه رمضان، این قدرت تحمل و این صبر را به همه می‌دهد. يك روایت دیگر هم در همین زمینه عرض می‌کنم که آن هم از امام رضا علیه‌الصلاة والسلام است؛ گرچه شاید این یکی، دومورد، فقره‌های يك حدیث باشد. «وإیضا لهم علی اداء ما کلفهم»؛ یعنی تحمل گرسنگی و تشنگی و اجتناب از مشتهیات نفسانی در روز ماه رمضان، يك نوع ریاضت است که انسان را بر اداء تکالیف گوناگون زندگی قادر می‌سازد. البته منظور، ریاضت‌های شرعی و ریاضت‌های الهی و ریاضت‌های اختیاری است. یکی از چیزهایی که انسان را قادر تمند می‌کند و بر پیمودن راه‌های دشوار زندگی توانا می‌سازد، ریاضت کشیدن است که خیلی‌ها به آن پناه می‌برند. این يك ریاضت شرعی است. بنابراین، در همین چند حدیثی که خوانده شد،



نشریه فصل ملاقات
رمضان المبارک ۱۴۳۵
شماره ۴

می بینید که همین مرحله از روزه - یعنی مرحله تحمّل گرسنگی و تشنگی - در اغنیا احساس همسانی با فقرا ایجاد می کند؛ احساس گرسنگی روز قیامت را به انسان منتقل می کند؛ صبر و تحمّل در مقابل شدائد را به انسان می بخشد؛ صبر بر اداء تکلیف را به عنوان يك ریاضت الهی به انسان اهداء می کند؛ یعنی این همه فواید در همین مرحله است. علاوه بر خالی بودن شکم از غذا و اجتناب از کارهایی که در حال عادی برای انسان مباح است، نورانیت و صفا و لطافتی هم به انسان می دهد که بسیار مغتنم است.

پرهیز از گناه

مرحله دوم روزه، پرهیز از گناه است؛ یعنی نگاهداری گوش و چشم و زبان و دل، حتی - طبق بعضی از روایات - نگاهداری بشره انسان، پوست بدن و موی بدن انسان از گناه. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که «الصّيام اجتناب المحارم كما يمتنع الرجل من الطعام و الشراب»؛ همان طوری که از غذا و از آشامیدنی و از مشتهیات نفسانی اجتناب می کنید، از گناه هم اجتناب کنید. این يك مرحله بالاتر برای روزه است. این فرصت ماه رمضان، فرصت مغتنمی است که انسان تمرین اجتناب از گناه کند.

بعضی از جوانان در مراجعاتی که دارند، به بنده التماس دعا که می کنند، از جمله مکرر می گویند شما دعا کنید که ما بتوانیم گناه نکنیم. البته دعا کردن خوب و لازم است و می کنیم؛ اما گناه نکردن، به اراده انسان احتیاج دارد. باید تصمیم بگیرید که گناه نکنید و وقتی تصمیم گرفتید، این کار بسیار آسانی خواهد شد. اجتناب از گناه، چیزی است که مثل يك کوه در چشم انسان جلوه می کند؛ اما با تصمیم، مثل يك زمین هموار می شود. در ماه رمضان، بهترین فرصت است که همه این را تمرین بکنند.

روایت دیگری از فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل شده است که فرمود: «ما یصنع الصائم بصیامه إذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه»؛ انسان از روزه چه بهره ای خواهد برد، اگر زبان و گوش و چشم و جوارح خود را از گناه باز ندارد؟ در يك روایت نقل شده است که زنی به خدمتکار خود امانت کرد. ظاهراً آن ها در همسایگی پیامبر، یا مثلاً در سفری همراه آن حضرت بودند. پیامبر اکرم طعمی در دستشان بود، به او تعارف کردند و فرمودند: از این بخور. آن زن گفت من روزه ام. نقل شده است که پیامبر به او این طور فرمودند: «کیف تکونین صائمه و قد سببت جاریتک»؛ چطور تورا روزه ای؛ در حالی که به خدمتکار خودت دشنام داده ای؟ «إنّ الصوم لیس من الطعام و الشراب»؛ روزه فقط این نیست که از خوراک و نوشیدنی اجتناب کنید. «وإنما جعل الله ذلك حجاباً عن سواهما من الفواحش من الفعل و القول»؛ خدا خواست که انسان روزه دار به سراغ گناهان و آلودگی ها نرود؛ و از جمله این گناهان، گناهان زبان است؛ بدگویی و امانت به دیگران است. از جمله این گناهان، گناهان دل است؛ دشمنی و کینه دیگران را در دل پروراندن است. بعضی گناهان به معنای اصطلاح شرعی است؛ بعضی گناهان اخلاقی است؛ مراتب گوناگونی دارد.

پس، مرحله دوم روزه داری این است که انسان بتواند از گناهان، خود را جدا کند و به خصوص شما جوانان عزیز از این فرصت استفاده کنید. شما جوانید. جوان، هم قدرت و توانایی دارد و هم صافی دل و نورانیت دل برای او يك فرصت است. در طول ماه رمضان، از این فرصت استفاده کنید و اجتناب از گناهان را - که مرحله دوم روزه داری است - تمرین نمایید.

اجتناب از غفلت

مرحله سوم از روزه داری، پرهیز از هر چیزی است که ذهن و ضمیر انسان را از یاد خدا غافل کند. این، آن مرحله بالای روزه داری است که در حدیث آن طور که وارد شده است، پیامبر به حضرت پروردگار (جلت عظمته) عرض می کند: «یا ربّ و ما میراث الصّوم»؛ دستاورد روزه چیست؟ ذات اقدس ربوبی فرمود: «الصوم یورث الحکمة و الحکمة تورث المعرفة و المعرفة تورث الیقین فإذا استیقن العبد لا یبالی کیف أصبح بعسر أم ییسر»؛ روزه سرچشمه های حکمت را در دل می جوشاند. وقتی که حکمت بر دل حاکم شد، آن معرفت نورانی و روشن به وجود می آید. معرفت که به وجود آمد، همان یقینی به وجود می آید که حضرت ابراهیم از خدای متعال آن را می خواست و در دعا های این ماه مرتب درخواست شده است. وقتی کسی دارای یقین بود، همه دشواری های زندگی بر او آسان می شود و انسان شکست ناپذیر از حوادث می گردد. ببینید چقدر اهمیت دارد! این انسانی که می خواهد در مدت سال های عمر خود، يك راه تعالی و تکامل را بییامد، در مقابل مشکلات و حوادث زندگی و موانع راه، شکست ناپذیر می شود. یقین، چنین حالتی به انسان می دهد. این هاناشی از روزه است. وقتی که روزه یاد خدا را در دل زنده کرد و فروغ معرفت خدا را در دل به وجود آورد و دل را روشن نمود، این ها به دنبالش می آید. هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند، به روزه برای این مرحله مضرت است. خوشبها به حال کسانی که می توانند خود را به این مرحله برسانند. البته ما باید آرزو کنیم و از خدا بخواهیم و همت کنیم که خودمان را به این مرحله برسانیم. خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۲۶/۰۹/۷۸

بعضی از جوانان در مراجعاتی که دارند، به بنده التماس دعا که می کنند، از جمله مکرر می گویند شما دعا کنید که ما بتوانیم گناه نکنیم.



نشریه فصل ملاقات
رمضان المبارک ۱۴۳۵
شماره ۴

برترین نشانه

جلسه سوم:

فرآیند خدا نما بودن

سانات حجت الاسلام والمسلمین، نخواستی، رمضان، ۱۴۳۵

دو نکته از مباحث گذشته:

نکته اول

در بحث آیات سوره بقره در موضوع قرآن و ماه رمضان و روزه، خداوند در بستر ماه مبارک رمضان سه دستور را بیان فرموده اند.

دستور اول دستور خود روزه است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید. (البقره/ 183)

دو دستور بعدی قرآن و دعا است که می فرمایند:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ: و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)! (البقره/ 186)

پس اول بحث روزه بیان شده است که واجب است و بعد از آن دو امر مستحب که به آن تاکید شده است یکی قرآن و یکی هم دعا؛ که نشان می دهد این دو عوامل رشد هستند و باید برای آنها در این ماه برنامه جدی داشته باشیم.

نکته دوم

به تصریح روایات، در این ماه شیاطین در غل و زنجیرند. این محک خوبی است که ببینم نفس ما چقدر شیاطینی یا رحمانی است. در این ماه اگر کسی نیت سوء حالت سوء عمل سوء خلق بد و ... دارد به طور خالص، به نفس خودش برمی گردد چون شیاطین در غل و زنجیرند. پس تمام خطاها در این ماه را به حساب نفس خودمان بگذاریم. فقط نفس است که می تواند به ما ضربه بزند که آن را هم باید ضعیف کرد و یکی از بهترین راه ها برای تضعیف نفس همین صوم یا روزه است. به شرطی که هر چه در طول روز نخوردیم را دو برابرش را در افطار جبران نکنیم!

بنابر این در این ماه، معصوم شدن خیلی راحت است. می توان به آستانه عصمت از گناه و فکر گناه رسید. عصمت مراتب مختلف دارد که گناه نکردن اقل آن است.

معرفی کتاب در باب اعجاز قرآن

در بحث اعجاز قرآن حدود 800 کتاب یا بیشتر از این کتاب نوشته شده است که در صورت توان، هر شب یکی یا دو تا را معرفی می کنیم.

کتاب اول: "قران در قران" نوشته آیت الله جوادی آملی

این کتاب اختصاصاً راجع به اعجاز قرآن نیست اما از 5 فصل آن یک فصل در ارتباط با اعجاز قرآن است. فهرست گفتگوی ما گاهی مطابق با سرفصل های این کتاب است و در برخی جاها هم متفاوت هست مثلاً در جایی که فرموده اند اعجاز مخصوص انبیاست حرفایی هست که در شب های آتی گفتگو خواهیم کرد.

سحر و اعجاز

یکی از مباحث مهم در بحث اعجاز تشخیص سحر و امور خارق العاده از اعجاز است. باید دانست که نفس انسان قدرت های عجیبی دارد که ما از آن خبر نداریم. تا صد سال پیش اگر کسی خبر می داد که با 5 گرم ماده تمام این فضا را روشن می کنم همه می گفتند که عجب آدم شیاد یا دروغگویی است. اما الان با همین مقدار اورانیوم این امکان پذیر است. نفس انسانی شبیه یک نیروگاه هسته ای است. اگر در یک ماده ی خام این همه مقدار انرژی نهفته است پس در نفس انسان چقدر انرژی وجود دارد؟! حالا چه در جهت خیر و یا در جهت شر. در آینده به راه های تشخیص این نیرو ها از اعجاز انشا الله خواهیم پرداخت.

به تصریح روایات،
در این ماه شیاطین
در غل و زنجیرند.
این محک خوبی
است که ببینم نفس
ما چقدر شیاطینی یا
رحمانی است. در این
ماه اگر کسی نیت
سوء حالت سوء
عمل سوء خلق بد
و ... دارد به طور
خالص، به نفس
خودش بر می گردد
چون شیاطین در غل
و زنجیرند.



نشریه فصل ملاقات
رمضان المبارک ۱۴۳۵
شماره ۴

آیت و پیام های قرآنی

در بحث آیت، خداوند می فرماید: ما موسی را با آیاتی فرستادیم. یعنی مردم از تو هم آیت طلب می کنند. اولین پیام این است که در آیت که باید خدا نما باشد و به راه پروردگار رهنمون کند، حکمت، موعظه، خیر خواهی و دلسوزی باید حرف اول را بزند. حکمت و موعظه حسنه 80 درصد کار دعوت را پیش می برد.

در سوره نحل می فرماید: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ: به سوی راه پروردگارت دعوت کن. سوال اینجاست که چگونه؟ ادامه آیه پاسخ می دهد... بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: با حکمت و موعظه و جدال احسن (النحل/125)

حکمت چیست؟

حکمت بیان حکیمانه و استوار است که نوعا در برهان و مسائل هستی شناسی به کار می رود اما اگر کسی در بیان مسائل اخلاقی یا مسائل رفتاری هم بیان محکم و حکیمانه داشته باشد باز هم حکمت محسوب می شود. برای مثال در سوره اسرا نزدیک به 10 یا 12 دستور از سمت خداوند بیان شده است در نهایت می فرماید:

لَكَ مِمَّا أُوْحِيَ إِلَيْكَ رَبِّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ: این (احکام)، از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده (الإسراء/39)

یعنی تمام اینهایی که به تو نازل شد از حکمت الهی بود. که هم اخلاقی بود و هم اعتقادی. پس هر امر حکیمانه و محکم حکمت محسوب می شود.

راه های اصلی دعوت به حق

در بدو امر به نظر می رسد راه های دعوت سه تا است؛ حکمت، موعظه و جدال احسن. منتهی با دقت در آیه متوجه می شویم دوتا است: چون دو فعل امر داریم: ادْعُ وَ جَادِلْ. یعنی یا توسط حکمت و موعظه حسنه دعوت کن که این برای افرادی است که آمادگی های عقلی و قلبی دارند. یا مجادله احسن برای افرادی که آینه قلبشان خیلی شفاف نیست اما اگر به آنها توجه داده شود یا نفع و ضرر برایشان بیان شود دعوت را می پذیرند.

در داستان حضرت یوسف هنگامی که زلیخا حضرت را دعوت به گناه کرد حضرت سه مطلب را به صورت پلکانی برای سه سطح مختلف بیان می دارند: قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ: پناه می برم به خدا! او اولی نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ مسلما ظالمان رستگار نمی شوند! (یوسف/23)

حرف اول عرفانی است برای نفوس با سطوح بالا. می گویند: مَعَاذَ اللَّهِ پناه بر خدا! نمی گویند اعوذ بالله... در واقع اعوذ بالله یعنی اکنون در حال پناه بردن هستم. اما معاذ یعنی پناه بردن. یعنی یوسف از خود گذشته است اصلا خودی را نمی بیند که بخواهد پناه ببرد. این حالت فنا فی الله است.

بعد در یک پله پایین آن، برای نفوس با ادراک متوسط می فرمایند إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ: او خدای من است با من است همراه من است و هر لحظه به من لطف میکند چطور به او خیانت کنم! (که باید حال مادر هنگام گناه و در هر لحظه اینگونه باشد).

سپس در قالب نفوس با درجه پایین تر می فرمایند: إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ: ظلم عاقبت به خیری ندارد. لذت چند لحظه ایست و عاقبت ابدی دارد. در واقع حضرت در سه جمله سه سطح از استدلال برای جلوگیری از خطا را بیان نمودند.

جدال احسن چیست و چه نقشی در دعوت دارد؟

گفتیم حکمت بیان حکیمانه است عمدتاً در مسائل هستی شناسی و موعظه حسنه بیان مشفقانه است عمدتاً در موارد خلقی رفتاری یا با پیامد های رفتاری.

با این دو، دعوت تمام است. اما برای افرادی که مشکل فکری، اخلاقی یا شبهه، دارند و بادو مورد قبلی دعوت نشدند جدال کن: آن هم جدال احسن. حرف حق بگو. حرف حقی که با فرد یک وجه مشترک دارد تا خودش وجه مشترک و سره از ناسره را دریابد.

80 درصد موارد دعوت با حکمت و موعظه حل می شود فقط 10 یا 20 درصد می ماند که کار را به جدال می کشاند. از این موارد هم آنهایی که شبهه دارند با جدال دعوت می شوند اما افرادی که مشکل روحی روانی دارند یا نفعی در بین دارند که نمی خواهند دعوت را بپذیرند، با جدال هم دعوت نمی شوند. پس چرا باید جدال کرد؟ چون یا ممکن است فرد خودش دعوت را بپذیرد یا دیگرانی که در صحنه هستند هدایت شوند.

تا صد سال پیش اگر کسی خبر می داد که با 5 گرم ماده تمام این فضا را روشن می کنیم همه می گفتند که عجب آدم شیداد یا دروغگویی است. اما الان با همین مقدار اورانیوم این امکان پذیر است. نفس انسانی شبیه یک نیروگاه هسته ای است. اگر در یک ماده ی خام این همه مقدار انرژی نهفته است پس در نفس انسان چقدر انرژی وجود دارد؟!



نشریه فصل ملاقات
رمضان المبارک ۱۴۳۵
شماره ۴



**معرفی اجمالی حضرت علامه آیه الله
حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی**
افاض الله من برکات تربته

حضرت علامه آیه الله حسینی طهرانی در سال 1345 قمری در طهران دیده به جهان گشود. پدر ایشان مرحوم آیه الله حاج سید محمد صادق که از شاگردان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی و هم بحث مرحوم آیه الله سید عبدالهادی شیرازی بود، انسانی بصیر و غیور و حافظ فرهنگ الهی و سنت نبوی و شئون اصیل اسلام و از بارزین در حفظ تدبیر در برابر دستگاه رضا خان پهلوی بوده یکی از چهار عالم سرشناس طهران به شمار می رفت. مرحوم علامه حسینی طهرانی با سرپرستی این پدر، دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در رشته مکانیک و ماشین سازی سپری نمود.

پس از اتمام تحصیلات با وجود پیشنهادات بسیار برای ادامه تحصیل در خارج و پذیرش مسئولیتهای گوناگون در رشته تخصصی، با استمداد از ثقل اکبر الهی، تحصیل علوم توحیدی و قرآنی را انتخاب نموده، راه طلبگی را پیش گرفت و به دست مرحوم آیه الله میرزا محمد طهرانی صاحب "مستدرک البحار" که از اعظم عصر و دایه پدری او بود، در مشهد مقدس مخلع به لباس تقوی و علم گردید و در سال 1364 قمری به شهر قم مشرف شده در مدرسه مرحوم آیه الله حجت مشغول تحصیل گردید.

تحت عنایات حضرت معصومه سلام الله علیها با علامه طباطبائی آشنا شده، باب انس و الفت میان آن دو گشوده شد. مرحوم علامه حسینی طهرانی ظاهراً باطن خود را به عقل و قلب این فرزانه علم و حکمت و تفسیر سپرد و از خواص شاگردان ایشان گردید. در کتاب "مهر تابان" که یادنامه علامه طباطبائی است اینگونه نوشته اند:

"حقاً اگر ما به چنین مردی برخورد نکرده بودیم خسرالدنیا والاخره دستمان از همه چیز خالی بود. مدت هفت سال در شهر قم برای فهم دین، کمر همت بست و در سطوح مختلف از اساتید مبزز و متخلق به اخلاق الهی همچون مرحوم آیه الله حاج سید رضا بهاء الدینی، مرحوم حاج شیخ عبدالجواد سدهی، مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری، مرحوم آیه الله سید محمد حجت، مرحوم آیه الله سید محمد داماد و مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی استفاده های شایانی نمود. در سال 1370 قمری به سفارش علامه طباطبائی و شهید شیخ محمد صدوقی یزدی راهی دیار نورانی مولی الموالی امیرالمومنین علیه السلام گردید. مرحوم علامه طباطبائی در نامه ای به ایشان می نویسد: "اگر نبود هجرت و وفود سرکار به آستان ملائک پاسیان حضرت مولی الموالی امیرالمومنین علیه السلام و استفاضه از آن عتبه ملکوتیه، هیچگاه به هجرت شما رضایت نمی دادم." ایشان در نجف اشرف به محضر پدر درایت مرحوم آیه الله حاج شیخ حسین حلی راه یافته، رحل خود را در فقه و اصول در آنجا فرود آورد. در درس مرحوم آیه الله حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیه الله حاج سید محمود شاهرودی و مرحوم آیه الله حاج آقا بزرگ طهرانی نیز شرکت جست، از شاگردان مبزز آنها گردد. در صفای سز و تطهیر قلب بنا به توصیه علامه طباطبائی با مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس قوچانی (وصی سلوکی مرحوم آیه الله حاج میرزا علی آقا قاضی قدس سره) مرتبط شد. انس و مرادده با مرحوم آیه الله حاج سید جمال الدین گلپایگانی نیز موجب تقویت و استقامت در مسیر عرفانی بود. در تمام مدت اقامت در نجف اشرف هر شب جمعه را



نشریه فصل ملاقات
رمضان المبارک ۱۴۳۵
شماره ۴

در مسجد سهله بیتوته می نمود. بالاخره تلاشها و مجاهدتهای مستمر به بار نشست و فیوضات امیرالمومنین علیه السلام ایشان را به مرحوم حاج سیدهاشم موسوی حداد رضوان الله علیه متصل ساخت.

در کتاب "روح مجرد" که یادنامه مرحوم حداد است نوشته اند: "ای نور مطلق، ای روح مجرد، ای حداد، تو دریائی بودی که امواج آن توحید و معرفت بود و آبهای آن شهود و بصیرت و یقین...." با اتصال به مرحوم حداد فصل نویسی در زندگانی ایشان پدید آمد. مراقبت های سلوکی و زحمات گذشته به ثمر نشست و حقیقت توحید در روح شروع به بالیدن نمود. در سال 1377 قمری پس از اتمام تحصیلات و تخصص در علوم عقلی و نقلی و معارف الهی، جهت اداء تکلیف و اقامه شعائر دین به طهران مراجعت و در مسجد قائم خیابان سعدی که مسجد مرحوم پدرشان بود به احیاء دین و تربیت نفوس مستعده پرداخت. بنا به دستور مرحوم حداد با مرحوم آیه الله حاج شیخ جواد انصاری همدانی باب مودت و ارادت را گشود. در کتاب "روح مجرد" در وصف مرحوم انصاری چنین نوشته اند: "الحق ایشان آیتی عظیم از آیات الهیه بود...."

زحمات و تدابیر مرحوم علامه طهرانی در تحکیم بنیان های حاکمیت دین و احیاء معارف الهیه و تلاش در تثبیت محورهای اساسی شرع همچون: طرح حکومت اسلام - ولایت فقیه - نماز جمعه - نیروی مقاومت ملی - الگوهای اسلام برای لباس، حجاب، ازدواج، تاریخ، تقویم، ساعت، آموزش، فعالیت مردم در جامعه و... (1) بر مطالعه پوشیده نبود و در این مسیر با حضرات آیات: حاج سید صدرالدین جزائری، حاج شیخ محمد باقر آشتیانی، حاج شیخ محمد تقی جعفری، حاج شیخ جواد فومنی، حاج سید رضی شیرازی، حاج شیخ محیی الدین انواری، حاج شیخ بهاء الدین محلاتی، حاج شیخ صدرالدین حائری، حاج شیخ محمدعلی سبط و حاج شیخ مرتضی مطهری تشریح مساعی داشتند. نامه ایشان به رهبر فقید انقلاب قدس سره راجع به نقد پیش نویس قانون اساسی گویای حقایق بسیار است.

پس از 24 سال تلاش الهی در طهران در سال 1400 قمری به آستان ملائک پاسبان علی ابن موسی الرضا علیه السلام مُشرف و رحل اقامت خود را در محضر فیاض آل محمد صلی الله علیه وآله افکند. در مدت 16 سال اقامت در مشهد مقدس دوره علوم و معارف اسلام را در قالب 19 عنوان در 52 جلد و در بیش از 20 هزار صفحه به رشته تالیف درآورد و در پرورش طلاب مُزین به علم و عمل اهتمام نمود. مرحوم آیه الله حاج سید احمد خوانساری از ایشان به عنوان "فخر عالم اسلام" یاد می نمود و علامه طباطبائی او را "پاسدار مکتب تشیح" نامید و مرحوم حداد به "سید الطائفتین" مُلقب فرمود. سرانجام قلبی که یک عمر برای اعتلای توحید و ولایت و معارف حقّه علوی می تپید، در نهم صفر سال 1416 قمری در عتبه مقدسه علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه والثناء از حرکت ایستاد و نفس قدسی اش به ندای ارجعی لبیک گفت و سرمست از باده سقیه ربهم شرابا طهورا به ریاض قدس پرواز نمود و پیکر پاکش در جوار مولایش در ضلع جنوب شرقی صحن عتیق حرم مطهر رضوی، آستان بوس کفشداری آن حضرت گردید.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته، بلافاصله بعد از دریافت خبر رحلت ایشان، در پیام تسلیتی خطاب به فرزند ارشد ایشان حضرت آیت الله سید محمد صادق حسینی طهرانی دامت برکاته و اخوان، ضمن ابراز تأسف عمیق از رحلت این عالم عامل ربّانی، و سالک مجاهد روحانی فرمودند: «ایشان از جمله فرزندان معدودی بودند که مراتب برجسته علمی را با درجات والای معنویّت و سلوک توأما دارا بودند، و در کنار فقاهت فنی و اجتهادی، به فقه الله الأكبر نیز که از مقوله شهود و محصول تجربه حسی و مجاهدت معنوی است نیز نائل گشته بودند.

فقدان آن عزیز برای آشنایان و ارادتمندان شان خسارتی دردناک و غمی هائل است. این جانب با قلبی اندوهگین و ملول به شما آقا زادگان محترم و والده محترمه و دیگر فرزندان و اخوان و کسان و نزدیکان و نیز دوستان و ارادتمندان ایشان تسلیت می گویم، و از خداوند متعال برای ایشان علو درجات و حشر با احبّه و اولیاء را مسألت می کنم.

هِنِيئَالَهُ مَا عَدَّهُ اللهُ لِوَلِيَّائِهِ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ. و سلام عليكم ورحمة الله.» همچنین ایشان در دیداری که اخیراً با برخی از مسئولین ارشد حوزه علمیه خراسان داشته اند ضمن تأیید و دفاع از رویکرد علمی و مشی فلسفی عرفانی و همچنین مواضع و جهت گیری های سیاسی مرحوم علامه حسینی طهرانی، از دیدارهای مکرر خویش با ایشان خبر داده و فرموده بودند: «هر موقع که بنده به مشهد می آمدم ایشان به دیدار ما می آمد و از آنهایی هم نبود که از ما توقع دیدار داشتند، همچنین فرموده بودند: «ایشان هر هفته نماز جمعه شرکت می کردند، در حالی که به یقین خویش را از امام جمعه اعلم میدانستند.» ایشان شاگردان مرحوم علامه حسینی طهرانی را "سربازان نظام" خوانده بودند.

«ایشان از جمله فرزندان معدودی بودند که مراتب برجسته علمی را با درجات والای معنویّت و سلوک توأما دارا بودند، و در کنار فقاهت فنی و اجتهادی، به فقه الله الأكبر نیز که از مقوله شهود و محصول تجربه حسی و مجاهدت معنوی است نیز نائل گشته بودند.



نشریه فصل ملاقات
رمضان المبارک ۱۴۳۵
شماره ۴

فصل مناجات

رمضان آمد و آهسته صدا کرد مرا
مستعد سفر شهر خدا کرد مرا

از گلستان کرم طرفه نسیمی بوزید
که سراپای پر از عطر و صفا کرد مرا

نازم آن دوست که با لطف سلیمانی خویش
پله از سلسله دیو دعا کرد مرا

فیض روح القدس کرد رها از ظلمات
همرهی تا به لب آب بقا کرد مرا

من نبودم بجز از جاهل گم کرده رهی
لایق مکتب فخر النجبا کرد مرا

در شگفتم ز کرامات و خطاپوشی او
من خطا کردم و او مهر و وفا کرد مرا

دست از دامن این پیک مبارک نکشم
که به مهمانی آن دوست ندا کرد مرا

زین دعاهاست که با این همه بی‌برگی و ضعف
در گلستان ادب نغمه سرا کرد مرا

هر سر مویم اگر شکر کند تا به ابد
کم بود زین همه فیضی که عطا کرد مرا

فتح الله اسلامی نیا



www.GofteMan-bartar.ir



موسسه فرهنگی
مذهبی راه حق
www.Rahehagh.com



نشریه فصل ملاقات
رمضان المبارک ۱۴۳۵
شماره ۴

برای عضویت در سامانه ی پیامکی گفتمان برتر و اطلاع از برنامه های
حجت الاسلام نخاولی، لطفا عدد ۴ را به ۰۱۶۶۰۴۰۰۲۳۴۰۵۰۰ ارسال نمایید.